



A Qualitative Approach to the Clergies' Understanding of Moral Conflicts in Commitment to their Professional Duties and Daily Livelihood

Majid Jafarian*

Abstract

Livelihood and income-generating activities, in general, are important bio-human issues. Undoubtedly, the experience of gaining income in relation to different classes, guilds, and social groups is very different from their place in society. Clergies are one of the groups whose living conditions have long been considered by the public in comparison with other social groups; because on the one hand, the clergy is known as a preacher of religion and is expected to be satisfied with what he has and to live like the majority of society, even below them. On the other hand, living conditions and the economic situation prevailing in Iranian society, have involved clergies and their families in various difficult economic issues. However, these two tendencies have led to moral conflicts between the living conditions of clergies and their religious-organizational duties towards society. With this in mind, the purpose of this study is to answer the question of what is the moral conflict between their professional duties and daily livelihood according to clergies' statements. The approach applied in this research is qualitative, and the thematic analysis method has been used to analyze the data. In this regard, semi-structured interviews were conducted with 20 employed and non-employed married clergies, who were selected by purposive sampling. Thematic analysis showed that “work conscience and manly moral responsibility”, “personal motivation to become a clergy and economic motivation for progress” and “personal dignity and professional honor” are the cases that are in conflict.

Keywords

moral conflicts, clergies, Professional Duties of Clergies, Livelihood, Qualitative Approach.

*Assistant Professor of the Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.
majidjafarian1357@yahoo.com

رویکردی کیفی به فهم طلاب از تزاممات اخلاقی در عمل به وظیفه طلبگی

و معیشت روزمره

مجید جعفریان*

چکیده

معیشت و به طور کلی، فعالیت‌های ناظر به کسب درآمد برای گذران زندگی، از مسائل مهم زیست انسانی است. بی تردید، تجربه معیشت برای طبقات، اصناف و گروه‌های مختلف اجتماعی بر حسب جایگاهی که در جامعه دارند، بسیار متفاوت است. طلاب از جمله گروه‌های مرجعی هستند که از دیرباز وضعیت معیشت آن‌ها نسبت به دیگر گروه‌های اجتماعی بیشتر مورد توجه عموم بوده است؛ چراکه از یک سو، طلبه به عنوان مبلغ دین شناخته می‌شود و از او انتظار می‌رود به آنچه دارد قناعت کند و مانند بیشتر مردم جامعه، بلکه در سطحی پایین‌تر از آن‌ها زندگی کند. از سوی دیگر، شرایط و اقتضائات معیشتی‌ای بر جامعه ایران حاکم است که طلاب و خانواده‌های آن‌ها را درگیر مسائل سخت اقتصادی کرده است. با این حال، این دو سویگی به تزاممات اخلاقی میان وضعیت معیشت طلاب و انجام وظیفه دینی - سازمانی آن‌ها در قبال جامعه منجر شده است. با این نگاه، هدف از این پژوهش پاسخ به این پرسش است که با توجه به گفتارهای طلاب، تزاممات اخلاقی موجود

*استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.



بین وظیفه طلبگی و معشیت روزمره کدام است؟ رویکرد در این پژوهش، کیفی است و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. بدین منظور، با بیست نفر از طلاب متأهل شاغل و غیرشاغل که به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند، مصاحبه نیم‌ساخت یافته انجام شده است. تحلیل مضامین نشان داد «وجدان کاری با مسئولیت اخلاقی مردانه»، «انگیزه شخصی برای طلبه‌شدن با انگیزه اقتصادی برای پیشرفت» و «حیثیت فردی با شرافت کار حرفه‌ای» در تراحم اخلاقی هستند.

کلیدواژه‌ها

تراحمات اخلاقی، طلاب، وظیفه طلبگی، معیشت، رویکرد کیفی.

مقدمه

از دیرباز نقل قول‌هایی درباره اینکه طلاب و روحانیون با مشکلات جدی معیشتی مواجه‌اند، وجود داشته است. داستان‌ها و حکایات زیادی در این باره نقل و البته مرزبندی‌های اخلاقی زیادی بین طلاب و دیگران در زمان‌های مختلف ایجاد شده است؛ برای نمونه، اسماعیل فردوس فراهانی به موضوع زندگی طلبگی در حدود صد سال پیش پرداخته است. او طی سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۰، با تکیه بر اشعاری، تلاش کرد این وضعیت را به خوبی ترسیم کند.

وی که در قم ساکن بوده، درباره زندگی طلبگی خود نوشته است: «این سال‌ها دو تومان شهریه می‌گیرم که حتی کفاف زندگی عادی و مجردی‌ام را در قم نمی‌دهد و می‌بایست بخشی را صرفه‌جویی کرده، برای همسر و بچه‌هایم که در ابراهیم‌آباد اراک هستند، بفرستم» (جعفریان، ۱۴۰۰، ص ۱۶۴). در هر حال، در آن سال‌ها به دلیل ضعف ارتباط حکومت با حوزه‌های علمیه، معیشت طلاب بر اساس سیره علمای سلف عملاً به دفاتر مراجع تقلید گره خورده بود. عامل تعیین‌کننده برای





گذران زندگی طلاب، شهریه‌ای بود که از سوی این دفاتر به‌عنوان سهم امام به آن‌ها داده می‌شد. البته در این میان، بحث‌ها و نزاع‌های کلامی جدی بین کنشگران اصلی حوزه (مخصوصاً مرحوم آیت‌الله حائری) درباره‌ی وابسته‌بودن یا وابسته‌نبودن حوزه‌های علمیه به حکومت نیز وجود داشت.

پس از انقلاب، این نزاع‌ها همچنان ادامه داشت و کسانی چون شهید مطهری، شهید صدر و شهید بهشتی به استقلال حوزه قائل بودند و آن را سازمانی تعریف می‌کردند که اگرچه می‌تواند پشتوانه‌ی نظام باشد، وابستگی آن به نظام نباید در اذهان عمومی محرز گردد (ر.ک: شهروی، ۱۳۷۹؛ اسماعیلی، ۱۳۷۶؛ <https://b2n.ir/m87835>). با این حال، در اینکه چه عامل یا عواملی طلاب را درباره‌ی معیشت روزمره دغدغه‌مند کرده، سخن بسیار است.

به‌طور کلی، با مرور گفتارهایی که طی سال‌های اخیر درباره‌ی این مسئله مطرح شده است به نظر می‌رسد سه موضع‌گیری اساسی و متفاوت در قبال آن وجود دارد. برخی مشکل معیشت را ذاتی زندگی این صنف می‌دانند؛ به این معنا که مشکلات معیشتی طلاب در رفتارهای فرهنگی، اعتقادی و اخلاقی ریشه دارد و زمینه‌ای برای خودسازی آنان و حرکت‌دادن جامعه به‌سوی تقوا و زهد است. در واقع، اصل در زندگی طلبگی، زهد و پارسایی، دوری از مادی‌گرایی و در نهایت، هدایت دیگران به‌سوی خوبی‌ها و اخلاق درست است. طلبه‌ای در درس و حرکت تبلیغی خود موفق است که بتواند ریشه‌ی مادیات را در زندگی خود خشک کند و به نیاتش جهت الهی بدهد.

آنچه در این موضع‌گیری به‌طور مشخص وجود دارد، توجه به قناعت به‌منزله‌ی یک اصل در زندگی طلاب است. در این صورت، طلبه اولاً شرعاً موظف است به درس و بحث پردازد و ثانیاً امر تبلیغ، مهم‌ترین کنش او تلقی می‌گردد که تا حدودی معیشت او را نیز تأمین می‌کند؛ چراکه تبلیغ، چه فردی چه سازمانی، می‌تواند موجب برکات در زندگی طلبه و رفع حوائج مادی او گردد. مبنای اثبات

این عقیده، نقل و حکایت از زندگی بزرگانی است که با وجود فقر، از حرکت اصیل الهی خود بازنشستند.

آیت‌الله سبحانی در پایان یکی از درس‌های خارج خود به این نکته اشاره کرده است که «شاید طلاب در این زمینه [کم‌بودن شهریه] حق دارند، اما باید مقداری هم خواهش‌های نفسانی و تقاضاها را کم کنید. زمان مرحوم آیت‌الله حائری شهریه را مانند حالا نمی‌دادند، روی سینی گذاشته و در حجره‌ها می‌گرداندند تا هر کس به مقدار نیاز خود بردارد. کسانی بودند که عنوان می‌کردند از ماه قبل هنوز اضافه داریم و بر نمی‌داشتند. وقتی روح قناعت بر کسی حاکم باشد، ذهن و فکر انسان خیلی بهتر و آرام‌تر است؛ بنابراین، روی دو مسئله زندگی ساده و علاقه به درس بیشتر تمرکز کنیم» (shia-news.com/000Ux4). بنابراین، قناعت، لزوم درس خواندن و تبلیغ، سه رکن اساسی در موضع‌گیری اول است.

طرف‌داران موضع دوم بر این باورند که «در دوران گذشته، مشکلات و گرفتاری‌های بسیار زیادی برای آقایان علما و طلاب بود که آن بزرگواران همه آن سختی‌ها را با خلوص نیت و تلاش زیاد متحمل می‌شدند. اکنون هم گرچه شرایط زندگی تا حدی بهتر شده است، لیکن باید تلاش جدی کرد تا مشکلات معیشتی موجود برای عزیزان طلاب تا حدی رفع شود که بتوانند بدون دغدغه و نگرانی، در ادای وظایف خود اهتمام داشته باشند» (https://www.yjc.news/00XcLd).

در واقع، بر اساس نگاه حاکمیتی به دین و ترویج آن در جامعه، طلاب و مدارس علمیه‌سازکاری برای تحقق این امر در جامعه‌اند. همان‌گونه که نیروهای انتظامی، ستادی، پشتیبانی و بهداشتی در جامعه فعال‌اند و حقوق می‌گیرند، باید از طلاب حوزه‌های علمیه نیز برای رسیدگی به امور دینی مردم حمایت شود؛ از امکانات رفاهی و بیمه گرفته تا مسکن و صدور مدارک معتبر تحصیلی همگی باید برای حمایت از طلاب بوده و با هدف به خدمت گرفتن آنها برای احیای امر دین و کلام خدا و اولیای الهی در جامعه به کار گرفته شود.



به نظر می‌رسد دیدگاه سوم، دیدگاه متولیان حوزه‌های علمیه است. این گروه، با اینکه پذیرفته‌اند سکان‌های حمایتی از طلاب عمدتاً با مشکلات عدیده‌ای مواجهه است و ساختار حوزه توانایی پرداختن به این سنخ از مشکلات را ندارد، تلاش می‌کنند از طلابی که به هر شکل جذب سازمان‌های دولتی شده و برای تأمین و رفاه زندگی خود به بیرون از حوزه نظر داشته‌اند، حمایت معنوی کنند.

در واقع، این موضع نه تنها کسب معیشت از دیگر سازمان‌ها را انحراف از وظایف حوزوی نمی‌داند، بلکه تلاش می‌کند به نحوی این سنخ طلاب را تشویق و از دستاوردهای آنان پشتیبانی کنند. راه‌اندازی مرکز آموزش‌های مهارتی طلاب در معاونت امور طلاب و دانش‌آموختگان، مرکز خلاقیت و نوآوری دفتر تبلیغات اسلامی و مراکز اداری و مجتمع‌های دانشگاهی - حوزوی گویای تغییر رویکردها در مقایسه با سال‌های پیشین است. دعوت از طلاب در مراکز علمی - تخصصی برای گذراندن دوره‌های کارآفرینی و کسب مهارت‌های شغلی در همین راستا قرار دارد. علاوه بر این، فناوری اطلاعات و توسعه فضای مجازی در ایران نیز به ایده‌پردازی طلاب برای کسب درآمد و ایجاد رفاه بیشتر کمک کرده است.

طی سال‌های اخیر، این رویه در بین برخی طلاب رشد فزاینده‌ای داشته است؛ به گونه‌ای که با توجه به شرایط اقتصادی برای بهبود وضعیت و معاش خود به سراغ مشاغلی رفته‌اند که با عرف طلبگی و نگاه اخلاقی برخی از طلابی که به این شیوه عمل نمی‌کنند، ناسازگار و در تعارض است. «از آنجایی که اخلاق مشتمل بر معیارهایی برای تعیین درست از نادرست است، این معیارها علاوه بر اینکه ممکن است تعارض‌هایی ظاهری در قلمرو خود اخلاق پدید آورند، چه بسا با معیارهای مندرج در دیدگاه‌های دیگر همچون باورهای عرفی یا الزامات قانونی و مقررات سازمانی متعارض باشند. در چنین مواضعی، تشخیص وظیفه سهل و آسان نیست؛ زیرا چیزی که به یک دلیل درست به نظر می‌رسد، به دلیل دیگر نادرست است» (هولمز، ۱۳۸۵، ص ۳۹).



این به معنی نوعی بلا تکلیفی اخلاقی است که می تواند در تصمیم گیری های کلان انسانی و عملکرد اخلاقی فرد در انجام وظایف اجتماعی (در قبال خود و جامعه و سازمان متبوع)، تأثیر جدی داشته باشد.

طبیعی است این تراحمات اخلاقی در مسیر زندگی طلاب نیز وجود دارد؛ از این رو، تصویری که در اذهان عمومی از وظیفه طلاب وجود دارد، توقعاتی که سازمان روحانیت از آنان به عنوان کنشگران اصلی این عرصه دارد و انگیزه های شخصی و باورهای اعتقادی که موجب شده شخص در مسیر طلبگی قدم بگذارد، هر سه از عوامل مهم برای پاسخ به این پرسش خواهند بود که با توجه به گفتارهای طلاب و الهام از نظریه دیوید راس، تراحمات اخلاقی بین وظیفه طلبگی و معشیت روزمره طلاب کدام اند؟

بررسی پژوهش ها نشان داد، پژوهشی که با رویکرد کیفی و به طور خاص به این موضوع پرداخته باشد، انجام نشده است؛ اگر چه در بخشی از پژوهش ها، جامعه شناسی حوزه علمیه قم (شریعتی و سلیمانی، ۱۳۹۲) و زیست طبگی و سنخ شناسی طلاب (سلیمانی، ۱۳۹۳) بررسی شده است. در شمار دیگری از پژوهش ها بر مسئله تبلیغ و اخلاق تبلیغ تأکید و به محورهای چون صداقت در این عرصه توجه شده است؛ از جمله: «بررسی چند چالش اخلاقی» (فصیحی رامندی، ۱۳۹۸)، «گونه شناسی و تحلیل آسیب های اخلاقی تبلیغ دین» (احمدپور، ۱۳۹۷)، «نقش ابعاد اخلاقی در بهسازی تبلیغ» (خراسانی، ۱۳۹۷)، «اصول و موانع اخلاقی تبلیغ دانش آموزی» (زکی زاده رنانی، ۱۳۹۷)، «مشکلات اخلاقی تبلیغ دین و راه های برون رفت از آن» (شکری و فقیهی، ۱۳۹۷). در نهایت، برخی از پژوهش ها به طور خاص به مسائل اخلاقی مبلغان اشاره کرده و با توجه به آموزه های اخلاقی و وظایفی که برعهده دارند، به بررسی آن ها پرداخته است (ر.ک: فتاحی، ۱۳۹۴؛ فیروز مهر، ۱۳۹۷).



۱. دیوید راس و مسئله تزامم‌های اخلاقی

اصطلاح تزامم اخلاقی «در ادبیات فلسفی برای توصیف موقعیتی استفاده می‌شود که در آن، عوامل هنجاری (مانند اصول اخلاقی، ارزش‌ها یا حتی اشکال خاصی از وظایف اخلاقی) با هم تداخل پیدا می‌کنند و انجام هر کدام از آن‌ها نیازمند انجام اعمالی است که با یکدیگر ناسازگارند» (Hare, 1978, p. 170) و دلیل آن این است که «یکی از اصول اخلاقی، ویژگی‌های خاصی از یک موقعیت رفتاری یا عملکردی را با خود مرتبط می‌سازد و اصل اخلاقی دیگر، بعضی از موقعیت‌های رفتاری دیگر را به خود اختصاص می‌دهد. در اینجا، طبیعتاً دشوار است که تعیین کنیم کدام یک از این اصول باید برای موقعیت خاص خودش نسخه اخلاقی مربوط را اعمال کند» (Ibid, p. 178).

در واقع، در موارد تزامم، یک اصل یا تکلیف خاص باید بر همه چیز حاکم باشد و این وظیفه است که نشان می‌دهد عمل درست اخلاقی باید چگونه باشد. با وجود این، کسی که با این تزامم روبه‌رو می‌شود ممکن است درباره اقدامی که باید انجام دهد مطمئن نباشد یا در این باره احساس ناراحتی کند؛ زیرا بیش از یک عامل اخلاقی مهم برای انجام عمل در این میدان وجود دارد و این همان تزامم است.

دیوید راس (W. D. Ross) از برجسته‌ترین وظیفه‌گرایان اخلاقی بعد از کانت است. دیدگاه‌های او، به‌ویژه با نقد اندیشه‌های اخلاقی کانت، بر توسعه نگاه‌های انتقادی به ارزش‌های اخلاقی تأثیر جدی نهاد و رویکرد متفاوتی را در نظریه‌های مربوط به تزامم‌های اخلاقی ایجاد کرد. فهم نظریه راس در گرو فهم درستی از رویکرد وظیفه‌گرایی اخلاقی (Deontological ethics) است.

وظیفه‌گرایان بر این باورند که «برخی ویژگی‌های فعل یا صفت اختیار انسان نظیر ماهیت ذاتی، انگیزه یا مطابقت آن با یک اصل و قاعده، جدا از نتیجه‌ای که در بردارد، ممکن است خوب، درست و الزامی قلمداد شود؛ مثلاً وفای به عهد هم ذاتاً





خوب است هم خداوند به آن فرمان داده است. هریک از این ویژگی‌ها می‌تواند وفای به عهد را الزامی نماید» (فرانکنا، ۱۳۷۶، ص ۴۵-۵۲).

از این رو، در وظیفه‌گرایی «ملاک سنجش افعال اخلاقی و آنچه در درجه اول اولویت قرار دارد، انجام وظایف و الزامات خاص اخلاقی است که منبع آن می‌تواند الهی یا عقل انسانی یا چیز دیگر باشد. در حقیقت، حقانیت افعال اخلاقی ناشی از یک الزام نفهته در خود عمل است. در نتیجه، درستی و نادرستی افعال برآمده از ذات فعل است؛ یعنی فعل خوب ذاتاً مستحق تحسین است و نه به موجب ایجاد نتایج خوبی که دارد» (اترک، ۱۳۸۹، ص ۲۸).

با وجود این، وظیفه‌گرایان دو دسته‌اند؛ دسته‌ای که عمل‌گرا بوده، تمرکز آن‌ها بر وضعیت موجود و شرایط فاعل است و به‌طور کلی، از قواعد کلی اخلاق پرهیز می‌کنند. دسته دیگر، قاعده‌نگر بوده، به قواعد کلی در اخلاق اعتقاد دارند و بر این باورند که قواعد خاصی دربارهٔ وظیفه ما در قبال خود و دیگران وجود دارد که فرد اخلاقی با رعایت و کاربست آن‌ها در موقعیت، به وظیفه اخلاقی‌اش عمل می‌کند (ر.ک: موحدی و گلزار اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۳۰).

دیوید راس با تکیه بر دیدگاه‌های وظیفه‌گرایان قاعده‌نگر تلاش می‌کند بر اساس توصیفی که از وظایف می‌دهد، مرز بین تراحم‌های اخلاقی را به خوبی نشان دهد. راس، «راهی را پیشنهاد می‌کند که خود آن را خوب توصیف می‌کند و بسیاری آن را یک نظریه اخلاقی ساده و کاربردی اگرچه ناقص می‌دانند و آن نظریه ابتکاری او در خصوص تقسیم وظایف اخلاقی به «وظایف در نگاه نخست» و «وظایف در نگاه عمل» یا وظایف واقعی است.

بر اساس این دیدگاه، انسان‌ها رشته‌ای از وظایف اخلاقی دارند که در نگاه اول، بدون در نظر گرفتن شرایط خاص فاعل، عام هستند اما آنچه فاعل اخلاقی را در رسیدن به دوری اخلاقی هدایت می‌نماید، وظایف در مقام عمل است» (شاهدی و ضمیری، ۱۳۹۶، ص ۵۸).



در واقع، «تمایل به وظیفه‌بودن چیزی غیر از توجه به جهتی از جهات عمل و جزئی از خصوصیات و اوصاف موجود در ذات عمل نیست. در حالی که وظیفه در مقام عمل با توجه به همهٔ اوصاف و خصوصیات عمل نتیجه می‌شود. وقتی به یک عمل از این حیث که راستگویی است نگاه می‌کنیم، به درستی و وظیفه‌بودن تمایل دارد، ولی بعد که متوجه می‌شویم این راستگویی موجب کشته‌شدن بی‌گناهی می‌شود از انجام آن صرف‌نظر کرده و انجام‌ندادن آن را وظیفهٔ درست خود تشخیص می‌دهیم. پس، راستگویی با اینکه در نگاه اول، تمایل به وظیفه‌بودن دارد و این تمایل همچنان در او باقی می‌ماند، ولی وظیفهٔ درست ما نیست» (اترک، ۱۳۹۱، ص ۱۸).

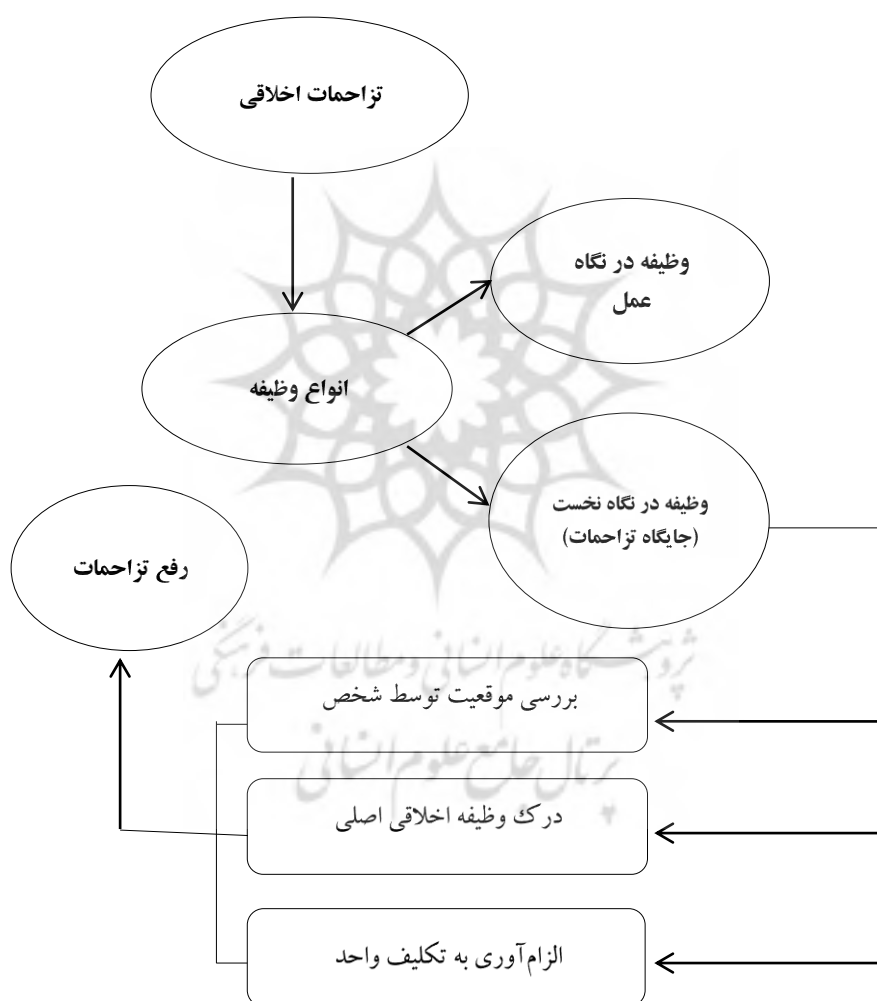
راس با تقسیم‌بندی وظایف به وفاداری، سپاس‌گزاری، عدالت، نیکوکاری، اصلاح خود و عدم شرارت (Ross, 2002, p. 21) معتقد است تا زمانی که هریک از این وظایف کاربرد دارد، همان وظیفه، تکلیف اخلاقی ما را معین می‌کند. اما گاهی این وظایف در شرایط خاصی با یکدیگر متعارض می‌شوند؛ چرا که «ما می‌توانیم قائل به اصول اخلاقی عام، مطلق و استثناپذیری در نگاه نخست باشیم؛ اصولی که به خاطر خصوصیاتشان در نگاه نخست همواره ما را ملزم به انجامشان می‌کنند.

وظایفی چون راستگویی، وفای به قول، نیکوکاری، نجات جان انسان، عدالت، سپاس‌گزاری و حق‌شناسی از دیگران، وظایفی هستند که به خاطر خصوصیات ذاتی‌شان در نگاه نخست برای ما الزام‌آورند و عام و مطلق نیستند» (اترک، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵).

بنابراین، «وقتی فرد در شرایطی قرار دارد که در نگاه نخست بیش از یک وظیفه برای او الزام‌آور باشد، باید آن موقعیت و شرایط را تا حد ممکن بررسی کند و به نظری درست و منطقی و قابل‌تأمل دست یابد؛ به گونه‌ای که دریابد چیزی بیشتر از این وظیفه نیست و در این شرایط وظیفه‌ای غیر از این برایش الزام‌آور نیست.

بنابراین، در نگاه نخست فرد ملزم است در این شرایط، انجام این وظیفه را وظیفه بی چون و چرای خود تلقی کند (Ross, 2002, p. 19). با این حال، گرچه تزامم بین وظایف در نگاه نخست امکان داد، در مقام عمل فقط یک وظیفه متوجه فاعل است و تعارض وظایف امکان ندارد.

الگوی مفهومی تزامم‌های اخلاقی بر اساس نظریه دیوید راس



۲. روش پژوهش

روش در این پژوهش، کیفی و از نوع تحلیل مضمون است. برای شناسایی و انتخاب مصاحبه‌شوندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد؛ از این رو، تلاش شد طی تحقیق «با افرادی تماس برقرار شود که در زمینه مورد بررسی یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب بودند» (محمدپور و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۹).

برای گردآوری اطلاعات، با در نظر گرفتن شاخص‌هایی همچون فهم شرایط و تجربه محیطی، حرفه‌ای بودن طلبه در مشاغل «نامتعارف» در حوزه طلبگی، علاقمندی به بیان دغدغه‌ها و صراحت در گفتار و همچنین، با توجه به شرایط اشباع‌پذیری، دو گروه ده نفری از طلاب ۲۸ تا ۴۵ ساله شاغل و غیرشاغل بر اساس نگاه جمعیت‌شناختی جدول (۱) انتخاب و تا حد اشباع‌پذیری مصاحبه نیم‌ساخت یافته انجام گرفت. در فرایند مصاحبه‌ها و بنا بر مسئله اصلی پژوهش، ابتدا از شرکت‌کنندگان پرسیده شد که «وظیفه طلبگی» با وجود مشاغل غیرمتعارفی که برخی از طلاب به خاطر امرار معاش به آن‌ها تن می‌دهند، از نظر اخلاقی چگونه توجیه می‌شود؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جدول (۱): آمار جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در پژوهش

مدت حضور در حوزه	شغل	سن	ردیف
۱۶	راننده اسنپ	۳۸	۱
۱۲	کشاورز	۳۲	۲
۱۹	سوپری	۴۰	۳
۲۱	بنگاه املاک	۴۲	۴
۱۴	صنایع دستی	۳۸	۵
۱۲	خرید و فروش عسل	۳۰	۶
۱۴	بازاری	۳۲	۷
۱۵	آرایشگری	۳۵	۸
۲۳	ساخت و ساز	۳۷	۹
۲۰	عطاری	۴۳	۱۰
۲۳	مبلغ تخصصی	۴۵	۱۱
۱۵	مدرس و مبلغ تخصصی	۳۲	۱۲
۱۰	مدرس حوزه	۲۸	۱۳
۱۲	مدرس حوزه	۳۳	۱۴
۱۷	مدرس و مبلغ	۳۵	۱۵
۲۷	مبلغ عمومی	۴۵	۱۶
۱۱	مدرس حوزه و امام جماعت	۲۹	۱۷
۱۵	مدرس حوزه	۳۲	۱۸
۱۷	مبلغ تخصصی	۳۵	۱۹
۱۹	مدرس	۴۰	۲۰





ابتدا با کسب اجازه از افراد، مصاحبه‌های آن‌ها ضبط و با دقت و بر اساس جزئیاتی که هر فرد بیان کرده بود، تایپ گردید و سپس، در چند مرحله بازخوانی شد. بازخوانی‌های مکرر به استخراج گزاره‌های اصلی و انتخاب مضامین پایه منجر شد. سپس، با رفت و برگشت بین مضامین پایه، بعضی از مضامین تکراری حذف و با در نظر گرفتن ارتباط معنایی و قرائن موجود بین آن‌ها، مضامین سازمان‌دهنده شناسایی شد و در یک قالب منسجم‌تر تدوین گردید. در نهایت، تلاش شد بر اساس تارنمای ایجادشده، مضامین فراگیر تعریف و پس از بازبینی مجدد، در قالب گزارش نهایی، تحلیل شوند (جعفریان، بشیر و میری، ۱۳۹۷، ص ۲۴-۲۳).

برای تأیید روایی و دقت در بازشناسی مقولات و اطمینان از طی شدن مسیر منطقی کشف آن‌ها، یافته‌ها به مشارکت کنندگان ارائه و نظر آن‌ها دریافت گردید. سپس، اشکالاتی که آن‌ها به فرایند کشف وارد می‌دانستند یادداشت و در جلسه‌ای مشترک بازبینی شد. در نهایت، مستندات به‌دست آمده با استفاده از نظر مشارکت کنندگان قطعی شدند و همین مسئله، اطمینان‌پذیری داده‌ها و امکان تأیید آن‌ها را فراهم کرد.

۳. یافته‌ها

در فرایند تحلیل داده‌ها بر اساس روش تحلیل مضمون، نتایج مرحله شناسایی به استخراج ۳۵۰ گزاره معنادار مفهومی منجر شد. از گزاره‌هایی که به نظر می‌رسید از وجه جامعیت معنایی برخوردار و در زمینه مورد نظر تحقیق قابل تبیین باشند، سی مضمون پایه استخراج گردید. در رفت و برگشت بین مضامین، شش مضمون سازمان‌دهنده و در نهایت، سه مضمون فراگیر در قالب سه تراحم اخلاقی بین وظیفه طلبگی و معیشت روزمره بر ساخت شد (جدول (۲)). در ادامه تلاش می‌شود با توجه به زمینه‌های موجود در متن مصاحبه‌ها و بر پایه نظریه دیویس راس، گزارشی از مضامین فراگیر یافته‌شده، ارائه شود.

جدول (۲): مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	نمونه مضامین پایه	نمونه گفتارها
تواضع وجدان کاری با مسئولیت اخلاقی مردانه	مسئولیت پذیری اجتماعی	خدمت به مردم، انجام خدمت مطلوب، تعیین نکردن دستمزد در هدایتگری دینی، طلبگی یعنی حرکت جهادی، پایبندی به ارزش های طلبگی، پاسخ گویی به افکار عمومی، پایبندی به ارزش های سازمانی، وفاداری و احساس مسئولیت در قبال روحانیت	این روحیه در همه آدمها وجود دارد که می خواهند خودشان را از وضعیتی نجات بدهند. اما به نظر من، روحانیت آمده که مردم را هدایت کند. با انجام کارهای نامتعارف و شغل هایی که طلبه را از امر طلبگی دور می کنند، نمی شود به ساحت مقدس امام زمان ادای دین کرد و مسئولیتی را که جامعه و دین بر دوش ما قرار داده اند، به سر منزل مقصود رساند.
	مردانگی یک وظیفه اخلاقی	یکسان بودن شهروند مسئول با پدر مسئول، قوام خانه به مرد، برای یک پدر تربیت فرزندان مقدم بر تربیت دیگران، مرد یعنی بی اعتنائبودن به رفع مشکلات معیشتی	اگر من به دنبال کار نرم کی بروم؟ بله بالاخره من طلبه ام و اهمیت وظیفه خود را قبول دارم، ولی ما در قبال خانواده خودمان هم مسئولیتی داریم. به نظر من، اگر کسی نتواند به مسئولیتی که در مقابل خانواده اش





مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	نمونه مضامین پایه	نمونه گفتارها
		<p>خانواده، معیشت خانواده یک وظیفه دینی برای مرد، حفظ شأنیت خانوادگی در منظر دیگران یک تلاش مردانه است</p>	<p>دارد، عمل کند قطعاً در مسئولیت اجتماعی اش هم هیچ توفیقی نخواهد داشت. لذا وظیفه اخلاقی نخست طلبه این است که هر کار مشروعی می تواند بکند تا خانواده اش حفظ شود و بعد، به هدایت جامعه بپردازد.</p>
<p>تراحم انگیزه شخصی برای طلبه شدن با انگیزه اقتصادی برای پیشرفت</p>	<p>انگیزه مندی اخلاق مدار در طلبه شدن</p>	<p>هدایت فردی، هدایت دیگران، آشنایی دقیق و عمیق با دین، بودن در مسیر خدا، کمک به دین خدا، شاگرد امام زمان بودن، نیاز نظام اسلامی، توجه به سلوک معنوی، متفاوت بودن با دیگران، مشمول عنایات اهل بیت قرار گرفتن</p>	<p>مسئله ای که بسیاری از طلاب به آن اعتراف می کنند و خود من هم به نوعی با آن درگیر بوده ام این است که بالاخره ما انگیزه هایی برای طلبه شدن داشته ایم. شاید انگیزه اصلی من این بود که احساس کردم در مرحله اول، می توانم خودم را از نظر دینی تقویت کنم و از نظر معنوی به سامان برسانم و در مرحله بعد، با تکیه بر آنچه یاد می گیرم، دیگران را در مسیر خدا قرار بدهم.</p>



مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	نمونه مضامین پایه	نمونه گفتارها
	<p>توسعه اقتصادی بر مبنای سیره عملی اخلاق دینی</p>	<p>منافات نداشتن فعالیت‌های دینی و کار اقتصادی از نگاه دین، کار اقتصادی مقدمه ترویج ارزش‌های اخلاقی، علاقه به توسعه از امور ذاتی انسانی است، بهبود وضعیت موجود یک وظیفه اخلاقی است، سیره بزرگان دینی ملاک عمل در فعالیت اقتصادی، کار کردن نوعی جهاد در راه خدا، منافات نداشتن فعالیت تبلیغی با فعالیت اقتصادی، عار نبودن کار کردن، تلاش برای تغییر نگاه عمومی به روحانیت</p>	<p>هیچ جایی نیامده که اگر کسی طلبه شد باید مثلاً فلان کار را انجام ندهد یا بدهد. کاری که برای امرار معاش خانواده انجام شود، نه تنها منافاتی با طلبگی و فعالیت‌های تبلیغی ندارد، بلکه باعث می‌شود از طرف جامعه تحسین شوم. ضمن اینکه کاری که برای خدا انجام شود، به‌ویژه برای خانواده، نوعی جهاد محسوب می‌شود. لذا باید تلاش کنیم نگاه به طلبه‌ای را که به‌قول شما شغل‌های غیرمتعارف دارد، عوض کنیم.</p>
<p>تراحم حیثیت فردی با شرافت کار حرفه‌ای</p>	<p>اقتدار شخصیتی طلبه</p>	<p>حفظ عزت نفس، زی طلبگی یعنی استقلال مالی، پرهیز از ابراز نیاز به دیگران، کار کردن</p>	<p>آنچه در تعامل یک طلبه با دیگران مهم است این است که بتواند عزت نفسش را حفظ کند. الان در جامعه ما</p>



مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	نمونه مضامین پایه	نمونه گفتارها
		<p>افتخاری مردانه است، ثبات شخصیتی در مقابل دیگران، شخصیت داشتن مبنای نفوذ و اقتدار در دیگران، احساس تعلق به خود</p>	<p>(ببخشید که این را می گویم) احساس می کنند طلبه می خواهد سربار مردم باشد. زی طلبگی به معنی تنگدستی نیست، بلکه اتفاقاً به این معناست که طلبه علاوه بر درس خواندن و تبلیغ دین، شغلی داشته باشد که بتواند امرار معاش کند و دستش جلوی کسی دراز نباشد؛ حتی اگر این کار به نظر شما یا دیگری غیرمتعارف با حوزه روحانیت و طلبگی باشد. کار کردن ناپسند نیست، البته کار مشروع و سازنده نه هر کاری.</p>
	<p>لزوم فهم و رعایت تکلیف در قبال سازمان</p>	<p>رعایت شئون روحانیت در انظار عمومی، رعایت مصالح نظام اسلامی، دفاع از زی طلبگی و ساده زیستی، لزوم دفاع از عملکرد سازمان روحانیت، تقویت اعتماد عمومی</p>	<p>مسئله ای که موجب تعارض روابط طلبه با جامعه می شود این است که طلبه شغلی در پیش بگیرد که مردم گمان کنند این طلبه از روحانیت بریده است؛ مثلاً بگویند این طلبه یا روحانی به حرفه خودش احساس تعلقی</p>

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	نمونه مضامین پایه	نمونه گفتارها
		به روحانیت، توجه به مصلحت شغلی و حرفه	ندارد و برای این صنف و دست کم عملکرد آنها ارزش قائل نیست. در این صورت، به عزت و شرافت کاری ما خدشه وارد می شود. به هر حال، قرار است ما مردم را هدایت کنیم و نشان بدهیم که به راه و وظیفه خودمان احترام می گذاریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شبکه مضامین تزامم‌های اخلاقی بر اساس نگاه طلاب



رویکردی کیفی به فهم طلاب از تزاممات اخلاقی در عمل به وظیفه طلبگی و معیشت روزمره



۳-۱. اصل تزامم اخلاقی وجدان کاری با مسئولیت مردانه

بی‌تردید، بخش عمده‌ای از حضور فرد در هر صنفی به وجدان کاری او مربوط است. وجدان کاری همان «احساس تعهد درونی به منظور رعایت الزاماتی است که در ارتباط با کار مورد توافق قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر، منظور از وجدان کاری رضایت قلبی، تعهد و التزام عملی نسبت به وظایفی است که قرار است انسان آن‌ها را انجام دهد؛ به گونه‌ای که اگر بازرس و ناظری نیز بر فعالیت او نظاره‌گر نباشد، باز هم در انجام وظیفه قصوری روا نخواهد داشت» (رحیمی کلور و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۱).



اخلاق موجب تقویت وجدان کاری می‌شود و کمک می‌کند فرد به تعهد خود به‌خوبی عمل کند. از نگاه اسلامی نیز توجه به وظایف محول‌شده و انجام درست آن‌ها، قاعده‌ای کلی و اصلی اخلاقی است؛ البته گاهی رعایت این اصل با اصول اخلاقی دیگری نظیر مسئولیتی که یک مرد در قبال خانواده خود دارد، در تراحم است.

بر اساس گفتار طلاب غیرشاغل، نخستین مضمون سازمان‌دهنده که پایه اصلی این تراحم قرار گرفت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی طلبه است. آن‌ها بر این باورند که «چون طلبه دارای مسئولیت اجتماعی است، نمی‌تواند کاری غیر از مسئولیتی که جامعه بر دوش او قرار داده است، انجام دهد. با این نگاه، مسئولیت‌پذیری رابطه‌ای مستقیم با وجدان کاری افراد در یک سازمان دارد». کارن معتقد است «مسئولیت اجتماعی یک چارچوب اخلاقی است و بیانگر این است که هر نهاد، چه سازمان و چه فرد، باید طبق اصول اخلاق و با حساسیت به مسائل اجتماعی، فرهنگی و محیطی رفتار کند تا عملکردش به نفع جامعه باشد (Palmer, 1995, p. 119).

مضامینی همچون «طلبگی از ابتدا یک حرکت جهادی بوده است و انسان در حرکت جهادی باید در هر شرایطی وفادار باشد»، «طلبه باید پایبندی به ارزش‌های طلبگی را اتفاقاً در مواقع سخت اثبات کند»، «ما موظفیم در قبال افکار عمومی به‌ویژه در مسائل اجتماعی که با دین گره خورده‌اند (از جمله همین بحث اقتصاد) پاسخ‌گو باشیم»، نشانه اهمیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی در نگاه طلاب غیرشاغل است. در این باره، یکی از طلاب اشاره می‌کرد «ما مسئولیتی اجتماعی را پذیرفته‌ایم. آمده‌ایم که در خدمت دین باشیم و خودمان را وقف مردم کنیم. هدفمان این نیست که دستمزدی بگیریم.

بنده از ابتدا با همین نگاه به حوزه آمدم و باید در هر شرایطی وفادار بمانم. جامعه از ما انتظاراتی دارد که باید آن‌ها را برآورده کنیم، نه اینکه کار دیگری انجام بدهیم».

پایه دیگر این تراحم، مضمون سازمان‌دهنده «مردانگی؛ یک وظیفه اخلاقی» است که با توجه به گفتارهای طلاب شاغل برجسته شد. مضامینی همچون «مرد نباید در امور معیشت بی‌اعتنا باشد»، «همان‌طور که شهروند مسئول داریم، پدر مسئول هم داریم»، «قوام زندگی و خانه‌وکاشانه به مردی است که آن خانه را اداره می‌کند و فرقی هم ندارد که طلبه باشد یا غیرطلبه، پول داشته باشد یا نه»، مردانگی را به منزله یک وظیفه اخلاقی برجسته می‌کنند.

طلبه شاغلی با اینکه بر وفاداری به سازمان روحانیت تأکید می‌کرد، با اشاره به سختی‌های امور معیشتی می‌گفت: «به هر حال، من مسئولیت پدران هم دارم. گاهی واقعاً درمانده می‌شوم و اگر کاری انجام ندهم زندگی خانوادگی و مسئولیتی که در خانه به‌عنوان پدر بر دوش دارم، مختل می‌شود». طلبه شاغل دیگری با اشاره به آیه **﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾** (نساء: ۳۴) بر این نکته تأکید داشت که «درست است که من طلبه‌ام، اما طلبگی به معنی گرسنه‌ماندن نیست، بلکه به این معنی است که فرد ابتدا در هر شرایطی خودش را مسئول خانواده‌اش بداند».

از گفتارهای هر دو گروه به دست می‌آید که تراحم اخلاقی در وجدان کاری و مسئولیت اخلاقی مردانگی، نخست، به خاطر ابهام در تعریف طلبگی و گستردگی معنایی و عملکردی آن بین طلاب شاغل و غیرشاغل است. هرچه طلبه بودن به تعریف انتزاعی‌تر، نزدیک و از نگاه واقعیت‌محور اجتماعی به آن کاسته شود، احتمالاً این تراحمات اخلاقی بیشتر خواهد شد.

علاوه بر این، نبودن یک گفتمان مشترک اخلاقی در عمل به مسئولیت‌های اجتماعی (در میان طلاب) نیز به این وضعیت دامن زده است؛ به این معنا که نه سازمان روحانیت و نه خود طلاب، هیچ خط‌مشی راهبردی برای چگونگی مواجهه با مسئولیت‌های اجتماعی - به گونه‌ای که بتواند امرار معاش آن‌ها را در سطح وسیع‌تری پوشش بدهد - پیدا نکرده‌اند.



گفتمان مشترک اخلاقی با تولید هنجارها و ارزش‌های عمده می‌تواند هم مسئولیت «از بیرون» جامعه طلاب را به‌خوبی مشخص کند و هم نگاه به وضعیت «از درون» آن‌ها را در قالب عمومی‌تری بازتعریف کند.

۲-۳. تزاحم انگیزه شخصی برای طلبه‌شدن با انگیزه اقتصادی برای پیشرفت

تزاحم دیگری که در قالب مضمون فراگیر دوم برجسته شد، بین دو سنخ از انگیزه اخلاقی وجود دارد؛ انگیزه‌ای اخلاق‌مدار که فرد را در زمان معینی به سمت حوزه‌های علمیه سوق می‌دهد و انگیزه‌ای که فرد بر اساس آن تلاش می‌کند وضعیت معیشت خانواده را سامانی بدهد و پیشرفتی در زندگی مادی به دست آورد.

بی‌تردید، انگیزه شخصی هرچه باشد، خواه کنش‌های مثبت و خواه منفی، یک اصل روان‌شناختی بسیار مهم است. انگیزه مشخص می‌کند که فرد در هر موقعیت چگونه عمل خواهد کرد. انگیزه، مشخص‌کننده میزان کنشگری افراد در شرایطی است که یک عامل درونی یا بیرونی مسبب آن است. با این حال، انگیزه «حالت درونی فرد است و رفتاری را در انسان به وجود می‌آورد تا نیل به هدف مشخصی، ممکن شود» (نائلی، ۱۳۷۳، ص ۱۰).

مضامینی همچون «من طلبه شدم تا خودم و دیگران را هدایت کنم»، «عمیق‌شدن در دین رسول خدا ﷺ مهم‌ترین انگیزه من برای ورود به حوزه بوده است»، «شاگری امام‌زمان لیاقت می‌خواهد و همین یک دلیل کافی است که کسی طلبه شود و در این راه بماند» و «طلبه یعنی کسی که بتواند به درد نظام اسلامی بخورد و نیازی از نیازهای مهم نظام اسلامی را برطرف کند»، دلیل جدی بر اخلاقی‌بودن انگیزه‌های طلبه‌هایی است که مخالف شغل‌های غیرمعارف برای طلاب هستند.

انگیزه دیگری که از گفتارها به دست آمد و اصل تزاحم را نشان داد، «انگیزه برای کار اقتصادی و پیشرفت» است. در نگاه طلاب شاغل، سیره عملی اخلاقی



بزرگان دین، برجسته‌ترین عامل انگیزه‌ساز برای حرکت در مسیرهای اقتصادی و مشاغلی است که طلاب کمتر به سراغ آن می‌روند. طلبه‌ی شاغلی معتقد بود: «هیچ‌گاه دین، طبقه‌ی خاصی از جمله طلاب را از اینکه برای امرار معاش تلاش بیشتری بکنند نهی نکرده، بلکه اتفاقاً به آن توصیه هم کرده است. اهل بیت کار می‌کردند، بسیاری از بزرگان ما برای امرار معاششان زحمت می‌کشیدند و اتفاقاً وضعشان هم خوب بود و به فقرا هم کمک می‌کردند».

طلبه دیگری می‌گفت: «ما مباحث بیع را که خوانده‌ایم و درس داده‌ایم، یاد گرفته‌ایم که دین نه تنها کسی را از کار و تلاش مشروع نهی نمی‌کند، بلکه بسیار تحسین می‌کند». طلبه دیگری معتقد بود «بالا‌ترین سطح تفکر درباره‌ی کار کردن این است که باور داشته باشیم کسی که کار اقتصادی می‌کند، هم‌زمان به دین خدمت هم کرده است؛ چرا؟ چون دأب دین این است که انسان‌ها رشد کنند و موجب رشد دیگران بشوند. مسلماً یکی از جاهایی که می‌توان به این توصیه‌ی دین عمل کرد، همین درپیش گرفتن کار و شغل مشروع است».

به‌طور کلی، در این مضامین به دو نکته‌ی اساسی اشاره شده که خاستگاه تراحم اخلاقی هستند؛ نخست اینکه در هر دو دسته این نقطه‌ی مشترک وجود دارد که هر طلبه‌ای برداشت و ادراک اخلاقی خاصی از طلبه‌شدن و پرداختن به امور اقتصادی دارد. البته این برداشت‌ها معلول گذشته و خصوصیات فردی آنهاست و مبانی رفتاری‌شان را تشکیل می‌دهد.

بنابراین، هریک از آنان، اتفاقی را که برایش رقم خورده و از نظر اخلاقی تجربه کرده است، از دیدگاه این ادراک دینی مشاهده و تفسیر می‌کند. با این حال، هم برای طلبه‌شدن و هم برای انجام کار اقتصادی، یک ملاک اساسی وجود دارد و آن، کاربرد مفاهیم و ارزش‌های عملی و زیست اخلاقی آنهاست؛ البته در مورد نخست، تکیه بر درک و شناخت فردی و تجربه‌ی شخصی از ارزش‌های اخلاقی عملی است و مسیری روایت می‌شود که به معنویات و سلوک روحی





آغشته است، در حالی که در مورد دوم، تمرکز بر سیره اخلاق عملی و دینی اولیای الهی و بزرگان دینی است و روایت، از بیرون فرد و فراتر از تجربه‌های شخصی او صورت می‌گیرد.

نکته دوم این است که طلاب غیرشاغل برای نشان دادن پیوستگی خود با خاستگاه درونی، سه مسئله کسب سلوک معنوی، متفاوت بودن با دیگری و رفع نیاز نظام اسلامی را به نگاه اخلاق مدار پیوند زده‌اند. این سه سویه نشان می‌دهند که اخلاق درونی شده توانسته است علاوه بر مشخص کردن مسیر طلبه و متفاوت بودن او از دیگران (به دلیل وظیفه هدایتگری دینی)، نگاه سیاسی را به حوزه اخلاق فردی آن‌ها اضافه کند. در واقع، استدلال جایز نبودن شغل غیرمعارف برای طلبه از یک امر شخصی اخلاقی شروع و به یک امر اجتماعی واقعی در حوزه سیاست ختم می‌شود.

از سوی دیگر، طلاب شاغل، افزون بر نشان دادن میل باطنی به انجام وظیفه طلبگی، توجیه اخلاقی شاغل بودن را به دو نکته اساسی گره زده‌اند؛ نخست اینکه تلاش و فعالیت شغلی یک طلبه برای بهبود امرار معاش، مصداق یک وظیفه اخلاقی دانسته می‌شود؛ یعنی زمانی می‌توان در وضعیت موجود تغییری ایجاد کرد که تغییر را مصداقی از وظیفه اخلاقی دانست. نکته دوم اینکه زمانی این تغییر وضعیت بر اساس یک شغل به وظیفه اخلاقی تبدیل می‌شود که کار کردن و داشتن شغل نوعی جهاد در راه خدا تعریف شود؛ از این رو، کاری که در پس آن «نیت اخلاقی جهاد در راه خدا» نباشد، عملاً نتیجه سودمندی برای طلبه شاغل نخواهد داشت. بنابراین، آنچه در اینجا مهم است، نیت است، نه متعارف یا نامتعارف بودن شغل.

۳-۳. تزامم حیثیت فردی با شرافت کار حرفه‌ای

تزامم دیگری که از گفتارهای دوگانه طلاب به دست آمد، تزامم اخلاقی بین حیثیت فردی با حرمت کار حرفه‌ای بود. یکی از اصول و ارزش‌های اخلاقی در نظام

ارزشی اسلام، حفظ حیثیت و آبروی مؤمن است. مؤمن نه حق دارد آبروی کسی را بریزد و حیثیت او را به خطر اندازد و نه حق دارد درباره آبروی خود و خانواده‌اش بی‌مبالاتی کند. حضرت امیر علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «مَنْ بَدَلَ عِرْضَهُ ذَلٌّ؛ کسی که حیثیت و آبروی خود را می‌برد، خودش را به پستی و خاک مذلت افکنده است» (آمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۲).

این روایت نشان می‌دهد که جایگاه اخلاقی فرد در جامعه به آبروی او منوط است و ارتباط تنگاتنگی بین آبرو و میزان تعاملات فرد با جامعه وجود دارد. اما گاهی این اصل با اصل دیگری مثل شرافت و حرمت کار حرفه‌ای در تضاحم است. زمانی که طلبه به‌عنوان عضوی از جامعه (که باید به امرار معاش پردازد و آبروی خود و خانواده‌اش را حفظ کند)، به شغلی وارد می‌شود که در انظار عمومی جامعه و البته از نگاه روحانیت، نامتعارف قلمداد می‌شود، بی‌تردید کارش با شرافت کار حرفه‌ای روحانیت که بر پایه هدایتگری دینی جامعه بنا شده است، در تضاحم قرار می‌گیرد.

بر اساس گفتارهای طلاب، «اقتدار شخصیتی طلبه» یک پایه از این تضاحم است. مضامینی همچون «بی‌توجهی یا کم‌توجهی به وضعیت اقتصادی طلاب»، «بحث بر سر مسائل اقتصادی طلاب با ضعف آن‌ها در درس خواندن و به‌ویژه با آبروی اجتماعی آن‌ها گره خورده است، در حالی که این‌ها دو امر جدا از یکدیگرند»، «لازم است برای تقویت مهارت‌های کارآفرینی طلاب تلاش کنیم تا بتوانند درآمدی کسب کنند و آبرو و حیثیت اجتماعی خود را با فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند حفظ کنند»، موجب بروز این مضمون گردید.

طلبه شاغلی با بیان مشکلات خانوادگی بیان می‌کرد که: «عزت‌نفس من در بعضی از شرایط به خطر افتاده است. وقتی نمی‌توان استقلال مالی کاملی داشته باشم و دستم جلوی دیگران دراز است، چگونه می‌توانم آموزه‌های دینی را برای همین افراد تبلیغ کنم». طلبه شاغل دیگری با اشاره به مشکلاتی که در سال‌های اخیر برای



طلاب در امرار معاش ایجاد شده است، می گفت: «به ما می گویند که زی طلبگی یعنی ساده زیستی، اما به نظر من ساده زیستی با فقر متفاوت است. ساده زیستی یعنی مال و دارایی خود را به رخ کسی نکشی. اما وقتی طلبه عزیز ما در مخارج ابتدایی زندگی روزمره اش مانده است، چگونه ساده زیست باشد؟ به نظر من زی طلبگی یعنی استقلال مالی داشته باشد نه اینکه به گونه ای زندگی کند که دستش جلوی دیگران دراز باشد».

بنابراین، از نگاه طلاب با توجه به فراگیری مشکلات معیشتی در حوزه عمومی، هرگونه اقدامی که به وابستگی طلبه منجر شود - چه گرفتن وجوهی برای امر تبلیغ و چه گرفتن قرض - موجب تخریب مشروعیتی می شود که طلبه پیش از این به واسطه دین، نگاه اولیای الهی به این جایگاه و استقرار روحانیت شیعه در اذهان عمومی داشته است. علاوه بر این، مشروعیت یک سازمان به مشروعیت شخصی افراد و گروه های وابسته به آن سازمان گره خورده است؛ تا زمانی می توان از مشروعیت یک سازمان سخن گفت که اقتدار شخصیتی افراد وابسته به آن سازمان حفظ شود.

از سوی دیگر، طلاب غیر شاغل بر «لزوم فهم و رعایت تکلیف در قبال سازمان» تأکید می کنند که پایه دیگری از تزامم سوم است. منظور از تکلیف در اینجا، تکلیف شرعی است، نه اخلاقی. طلبه غیر شاغلی در این باره چنین بیان می کرد: «دو نوع تکلیف داریم؛ تکلیف شرعی و تکلیف اخلاقی. گاهی این دو با یکدیگر تعامل دارند و گاهی تکلیف اخلاقی در ادامه تکلیف شرعی است.

تکلیف شرعی طلبه، علم آموزی، دعوت به سوی خدا و پرورش فکری دیگران است. این ها تکلیف طلبه و البته سازمان روحانیت است، نه اینکه طلبه وارد شغل هایی شود و جایی قدم بگذارد که مردم او را دست بیندازند». با این حال، از نگاه طلاب غیر شاغل، لزوم پایبندی طلاب به تکلیف شرعی خود، دو جنبه دارد؛ یکی، «رعایت شئون روحانیت در انظار عمومی» است و دیگری، «رعایت مصالح نظام اسلامی».





طلبه از یک سو، باید در مسیری باشد که شئون روحانیت را حفظ کند و کاری نکند که موجب وهن روحانیت شود و از سوی دیگر، به کاری که به او واگذار شده است، مشغول باشد تا رعایت مصالح نظام را کرده باشد. طلبه غیرشاغلی معتقد بود: «زمانی یک طلبه می‌تواند در امر تبلیغ موفق باشد که خود را متعلق به روحانیت بداند. ممکن است تبلیغ او مثل سخنرانانی باشد که سخنرانی‌های آن‌ها بسیار خوب است، ولی طلبه و روحانی نیستند. منظور اینکه طلبه شأنتی دارد که نگه‌داشتن شأنت او شرافت روحانیت را به همراه دارد».

نکته دیگری که در گفتارهای طلاب غیرشاغل درباره این تراحم وجود داشت، ارتباط مستقیم بین زی طلبگی و شرافت حرفه‌ای بود. یکی از طلاب معتقد بود: «دادن اصالت بیش از حد به ارتقای زندگی شخصی طلبگی، طلاب را به مرحله‌ای از منفعت‌طلبی رسانده که اولویت‌های شخصی خود را بر اولویت‌های کار حرفه‌ای و بهبود مناسبات خود با جامعه مقدم کرده‌اند و نگاه متفاوتی از جنبه شخصیتی در آن‌ها ایجاد شده است».

مضمون دیگری نیز بر این مطلب تأکید داشت که «کسب منفعت و ارضای نیازهای شخصی و فردی جزء اولویت‌های زندگی طلاب قرار گرفته است. منظور این نیست که طلاب وظایف خود را رها کرده باشند، بلکه آن‌ها با ورود به شغلی دیگر، از حرفه و وظیفه‌ای که در قالب طلبگی برای آنان تعریف شده و زمانی خودشان با میل شخصی آن را پذیرفته‌اند، دور شده‌اند». طلبه دیگری با یادآوری وظیفه‌ای که بر دوش طلاب و روحانیون است، تأکید داشت که «بالاخره این اصلی وجود دارد که ما طلبه‌ایم و همواره باید در حال خدمت به دین خدا باشیم. کسی که در کسوت خدمت به دین خداست، اگر کمبودی هم دارد، تحمل می‌کند، نق نمی‌زند و به آن حی قیومی توکل می‌کند که او را در این مسیر قرار داده است؛ نه اینکه به کاری مشغول شود که او را از وظیفه‌ای که بر عهده دارد، دور می‌کند. این تعریف من از زی طلبگی است».



نتیجه گیری

پژوهش حاضر کوشید با مشارکت طلاب و گفت و گو با آن‌ها به تراحم‌های اخلاقی موجود بین وظیفه طلبگی و معشیت روزمره طلاب دست یابد. با بررسی یافته‌ها نتایج زیر حاصل شد:

۱. تراحم اخلاقی عمدتاً برای توصیف موقعیت‌هایی به کار می‌رود که در آنجا دو اصل، ارزش یا قاعده اخلاقی با یکدیگر تقابل پیدا کرده است و نبودن معیار تشخیص درست از نادرست موجب می‌شود شخص نتواند به وظیفه اخلاقی خود عمل کند. دیوید رایس، پس از کانت، از پیشگامان تحلیل و توسعه نظریه تراحم‌های اخلاقی است.

۲. انجام وظیفه طلبگی و درپیش گرفتن مشاغل غیرمتعارف برای امرار معاش، دو موقعیت برای انجام وظیفه اخلاقی است. پرداختن به هر دو مورد به‌طور هم‌زمان برای طلبه اخلاقاً ممکن نیست. در اینجا، با توجه به نگاه طلاب، سه اصل تراحمی اخلاقی برجسته است.

۳. در اصل اول، وجدان کاری با مسئولیت مردانه تراحم اخلاقی پیدا کرده است. دو مضمون «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» و «مردانگی؛ یک وظیفه اخلاقی» مبنای این تراحم‌اند. از نگاه طلاب غیرشاغل، خدمت به مردم و انجام مطلوب وظیفه از مصادیق نمادین وجدان کاری است که خود پشتوانه تعهد اخلاقی و سپس، مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. از نگاه گروه دیگر، مردانگی یک وظیفه اخلاقی و جزء لاینفک وظایف طلبگی است؛ از این رو، همان‌طور که تبلیغ دین یک وظیفه اخلاقی و دینی است، احساس مسئولیت در قبال تأمین معاش خانواده نیز یک وظیفه اخلاقی محسوب می‌شود.

۴. در اصل دوم، انگیزه‌های شخصی در دو جهت طلبه‌شدن و پیشرفت اقتصادی با یکدیگر در تراحم‌اند. تأکید بر این دو انگیزه نشان می‌دهد که هر دو گروه برداشت خاصی از وظیفه طلبگی و معیشت روزمره دارند و اخلاق را مهم‌ترین عامل انگیزشی

برای خدمت مسئولانه می‌دانند. البته خاستگاه انگیزه اخلاقی در گروه طلاب غیرشاغل، شناخت ارزش‌های اخلاقی انتزاعی است، در حالی که ملاک اصلی گروه دوم، سیره عملی اخلاقی بزرگان است.

۵. در اصل سوم، «حیثیت فردی» با «شرافت کار حرفه‌ای» از نظر اخلاقی در تراحم‌اند. دو مضمون سازمان‌دهنده «اقتدار شخصیتی طلبه» و «لزوم فهم و رعایت تکلیف در قبال سازمان» پایه‌های اصلی این تراحم هستند. از سویی، طلبه زمانی می‌تواند به وظایف اخلاقی خود در سازمان روحانیت عمل کند که با تکیه بر احساس تعلق به خود، تعریف درستی از وظایف اخلاقی خود و نوعی مشروعیت طلبگی برای رسیدن به اقتدار شخصیتی برخوردار باشد. از سوی دیگر، در حفظ شرافت حرفه‌ای، اصل بر تقدم تکلیف شرعی بر تکلیف اخلاقی است. دلیل این تقدم، لزوم رعایت شئون روحانیت در انظار عمومی و در نظر گرفتن مصلحت نظام اسلامی از سوی طلبه است.





کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۵)، فهرست غرر الحکم، ترجمه محمدعلی انصاری قمی، قم: دارالکتب الاسلامی.
۳. اترک، حسین (۱۳۸۹)، «وظیفه‌گرایی اخلاقی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ش ۱ و ۲، ص ۲۷-۳۵.
۴. اترک، حسین (۱۳۹۱)، «وظایف اخلاقی در دیدگاه دیوید راس»، آینه معرفت، ش ۱۷، ص ۱۲۳-۱۵۰.
۵. احمدپور، مهدی (۱۳۹۷)، «گونه‌شناسی و تحلیل آسیب‌های اخلاقی تبلیغ دین»، فصلنامه اخلاق، ش ۲۹، ص ۳۱-۵۵.
۶. اسماعیلی، اسماعیل (۱۳۷۶)، «اصلاح حوزه در نگاه شهید صدر»، فصلنامه حوزه، ش ۷۹-۸۰، ص ۳۲-۶۶.
۷. جعفریان، رسول (۱۴۰۰)، صدسالگی حوزه علمیه قم، قم: مورخ.
۸. جعفریان، مجید، حسن بشیر و سیدجواد میری (۱۳۹۷)، «خوانش فرهنگی از گفت‌وگوی بینادینی در ایران - مطالعه کیفی»، مجله ارتباطات میان فرهنگی، ش ۳۵، ص ۹-۳۵.
۹. خراسانی، لطف‌الله (۱۳۹۷)، «نقش ابعاد اخلاقی در بهسازی تبلیغ»، فصلنامه اخلاق، ش ۲۹، ص ۵۷-۷۴.
۱۰. رحیمی کلور، حسین؛ امین گل‌زرد و هدی غفاری مجلج (۱۳۹۷)، «تحلیل رابطه وجدان کاری بر مسئولیت اجتماعی: نقش میانجی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ش ۱، ص ۱۰۷-۱۱۱.
۱۱. زکی زاده رنانی، علیرضا (۱۳۹۷)، «اصول و موانع اخلاقی تبلیغ دانش‌آموزی»، فصلنامه اخلاق، ش ۲۹، ص ۷۵-۹۸.



۱۲. سلیمانی، مهدی (۱۳۹۳)، *طلبه‌زیستن: پژوهشی مقدماتی در سنخ‌شناسی جامعه‌شناختی زیست‌طلبگی*، تهران: نگاه معاصر.
۱۳. شاهدی، سامره و محمدرضا ضمیری (۱۳۹۶)، «بررسی انتقادی تراحم‌های اخلاقی از منظر دیوید راس با تکیه بر آیات و روایات»، *مجله مطالعات قرآنی*، ش ۳۱، ص ۵۷-۸۸.
۱۴. شریعتی مزینانی، سارا و مهدی سلیمانی (۱۳۹۲)، «بررسی جامعه‌شناختی بوروکراتیزاسیون حوزه علمیه قم با رویکرد وبری (فرآیندها، چالش‌ها و موانع)»، *مطالعات اجتماعی ایران*، ش ۱، ص ۸۱-۱۱۲.
۱۵. شکری، محمد و سیداحمد فقیهی (۱۳۹۷)، «مشکلات اخلاقی تبلیغ دین و راه‌های برون‌رفت از آن»، *فصلنامه اخلاق*، ش ۲۹، ص ۹۹-۱۲۰.
۱۶. شهروی، داوود (۱۳۷۹)، *حوزه و روحانیت از دیدگاه شهید آیت‌الله مطهری*، تهران: پارسایان.
۱۷. فتاحی، سیدعلی (۱۳۹۴)، *اخلاق مبلغان*، تهران: عصر جوان.
۱۸. فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۷۶)، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم: مؤسسه فرهنگی طه.
۱۹. فصیحی رامندی، مهدی (۱۳۹۸)، «صداقت در عرصه تبلیغ دین؛ بررسی چند چالش اخلاقی»، *فصلنامه اخلاق*، ش ۳۴، ص ۳۷-۵۶.
۲۰. فیروزمهر، محمد مهدی و حسن شیرزاد کمانگر (۱۳۹۷)، «مسائل اخلاقی مبلغان با تأکید بر مبلغان مستقر»، *فصلنامه اخلاق*، ش ۲۹، ص ۱۱-۲۹.
۲۱. محمدپور، احمد، مهدی رضایی، لطیف پرتوی و رسول صادقی (۱۳۸۸)، «بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه زمینه‌ای»، *مجله خانواده‌پژوهی*، سال ۵، ش ۱۹، ص ۳۰۹-۳۳۰.
۲۲. موحدی، محمدجواد و مژگان گلزار اصفهانی (۱۳۹۰)، «نقد و ارزیابی وظیفه‌گرایی»، *مجله اخلاق و تاریخ پزشکی*، ش ۴، ص ۲۸-۳۶.

۲۳. نائلی، علی محمد (۱۳۷۳)، *انگیزش در سازمان‌ها*، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران.
۲۴. هولمز، ال. رابرت (۱۳۸۵)، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس.

25. Hare, R. M. (1978), "Moral Conflicts, The Tanner Lecture on Human Values", Available at: <http://www.utilitarian.net/singer/by/tanner>, p.170-193.

26. Palmer L, Karen (1995), "Tightening Environmental Standards: The Benefit-Cost or the No-Cost Paradigm?", *The Journal of Economic Perspectives*, p. 119–132.

27. Ross, W. D. (2002), *The Right and the Good*, New York: Oxford University Press Inc.

28. shia-news.com/000Ux4

29. <https://b2n.ir/m87835>

30. <https://www.yjc.news/00XcLd>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



References

1. The Holy Quran.
2. Ahmadpour, Mehdi (2018), "Typology and analysis of moral harms of religious propaganda", *Ethics Quarterly*, Vol. 29, p. 31-55.
3. Amedi, Abdul Wahed bin Mohammad (2007), *Fehrest Ghorar al-Hekam*, translated by Mohammad Ali Ansari Qomi, Qom: Islamic Library.
4. Atrak, Hossein (2010), "Ethical Conscientiousness", *Quarterly Journal of Ethics in Science and Technology*, Vol. 1 and 2, p. 27-35.
5. Atrak, Hossein (2012), "Ethical Duties in the Viewpoint of David Ross", *Mirror of Knowledge*, Vol. 17, p. 123-150.
6. Fassihi Ramandi, Mehdi (2020), "Honesty in the field of propagating religion; A Study of Several Ethical Challenges", *Ethics Quarterly*, Vol. 34, p. 37-56.
7. Fattahi, Seyed Ali (2015), *Ethics of missionaries*, Tehran: Asr Javan.
8. Firoozmehr, Mohammad Mehdi; Shirzad Kamangar, Hassan (2018), "Ethical issues of missionaries with emphasis on established missionaries", *Ethics Quarterly*, Vol. 29, p. 11-29.
9. Frankenna, William K. (1997), *Philosophy of Ethics*, translated by Hadi Sadeghi, Qom: Taha Cultural Institute.
10. Hare, R. M. (1978), "Moral Conflicts, The Tanner Lecture on Human Values", Available at: http://www.utilitarian.net/singer/by/tanner_p.170-193.
11. Holmes, L., Robert (2006), *Fundamentals of Philosophy of Ethics*, translated by Massoud Olia, Tehran: Phoenix Publishing.
12. Ismaili, Ismail (1997), "Reform of the seminary in the view of Martyr Sadr", *Quarterly of the seminary*, vol. 79-80, p. 32-66.
13. Jafarian, Majid, Bashir, Hassan, Miri, Seyed Javad (2015), "Cultural Reading of Fundamental Dialogue in Iran - A Qualitative Study", *Journal of Intercultural Communication*, No. 35, p. 9-35.
14. Jafarian, Rasool (2021), *One Hundred Years of the Seminary of Qom*, Qom: historian.
15. Palmer L, Karen (1995), "Tightening Environmental Standards: The Benefit-Cost or the No-Cost Paradigm?", *The Journal of Economic Perspectives*, p. 119-132.
16. Khorasani, Lotfollah (2018), "The role of moral dimensions in improving propaganda", *Ethics Quarterly*, Vol. 29, p. 57-74.
17. Mohammadpour, Ahmad; Rezaei, Mehdi, Partovi, Latif; Sadeghi, Rasoul (2009), "Semantic Reconstruction of Family Changes in a Background Method", *Family Research*, Fifth Year, No. 19.
18. Movahedi, Mohammad Javad; Golzar Esfahani, Mojgan (2011), "Critique and Evaluation of Conscientiousness", *Journal of Medical Ethics and History*, Vol. 4, p. 28-36.
19. Naeli, Ali Mohammad (1995), *Motivation in Organizations*, Ahvaz: Shahid Chamran University Press.
20. Rahimi Kaloor, Hossein; Golzard, Amin, Ghaffari Majlaj, Hoda (2019), "Analysis of the relationship between work conscience and social responsibility: The mediating role", *Quarterly Journal of Ethics in Science and Technology*, Vol. 1, p. 11-107.
21. Ross, W. D. (2002), *The Right and the Good*, New York: Oxford University Press Inc.
22. Shahedi, Samereh; Zamiri, Mohammad Reza (2017), "A Critical Study of Moral Conflicts from the Perspective of David Ross Based on Verses and Narrations", *Journal of Quranic Studies*, Vol. 31, p. 57-88.
23. Shahroui, Davood (2000), *The seminary and the clergy from the perspective of the martyr Ayatollah Motahhari*, Tehran: Parsayan Publishing.
24. Shariati Mazinani, Sara; Soleimani, Mehdi (2013), "Sociological study of bureaucratization of Qom seminary with Weber approach (processes, challenges and obstacles)", *Social Studies of Iran*, Vol. 1, p. 81-112.
25. Shokri, Mohammad; Faghihi, Seyed Ahmad (1397), "Moral problems of propagating religion and ways out of it", *Quarterly Journal of Ethics*, vol. 29, p. 99-120.
26. Soleimanieh, Mehdi (2014), *Student Life: A Preliminary Study in the Sociological Typology of Biology*, Tehran: Contemporary View.
27. Zakizadeh Renani, Alireza (1397), "Ethical Principles and Barriers to Student Propaganda", *Ethics Quarterly*, Vol. 29, p. 75-98.
28. shia-news.com/000Ux4
29. <https://b2n.ir/m87835>
30. <https://www.yjc.news/00XcLd>